

## جلسه چهاردهم

### مسئله پنجم

۱. با بودن عموها و دایی ها، زن و شوهر نصیب بالاتر را می برند: شوهر نصف و زوجه یک چهارم.

۲. به احوال، یک سوم از اصل ترکه (نه از باقی مانده) داده می شود و بقیه به اعمام می رسد.

مثال:

الف: زوج و اعمام و احوال: زوج یک دوم + احوال یک سوم + یک ششم به اعمام می رسد.

ب: زوجه و اعمام و احوال: یک چهارم زوجه + احوال یک سوم + باقیمانده ای که به اعمام می رسد.

۳. اگر اعمام و احوال متفرق باشند (برخی مادری و برخی پدری)، زوج و زوجه نصیب بالای خود را می برند و یک سوم به احوال داده می شود و باقی نصیب ازواج و احوال، به اعمام می رسد.

۴. یک سوم احوال، به طور یک ششم یا یک سوم بین مادری ها و غیر مادرها تقسیم می شود.

۵. باقی مانده که به اعمام رسیده است، به طور یک ششم یا یک سوم به اعمام مادری داده می شود که به طور مساوی بین خود تقسیم می کنند و باقیمانده به اعمام غیر مادری می رسد که به طور متفاوت تقسیم می شود.

۶. اگر در کنار زوج و زوجه، فقط اعمام یا فقط احوال باشند:

زوج یا زوجه سهم بالاتر خود را می گیرند و بقیه ارث به اعمام و احوال می رسد. هر چند یک نفر باشد.

ولی اگر چند نفر بودن حکم دقیق تر است.

جهت الف: انتساب همه به متوفی یکی باشد: فقط عموی مادری یا ابی باشند، یا فقط دایی مادری یا ابی: باقیمانده طبق مساله های قبلی که گفتیم تقسیم می شود.

جهت ب: انتساب آنها با میت متفاوت باشد:

مثلا: زوج + دایی مادری + دایی ابوینی برای میت باشد. زوج نصف و دایی مادری یک ششم را می گیرد.

۷. اگر زوج یا زوجه تنها با اعمام امی و ابی یا ابوینی باشد:

به عمو و عمه مادری اگر یک نفر باشد یک ششم و اگر چند نفرند یک سوم داده می شود باقی مانده به عمو و عمه پدری تعلق می گیرد. (قول دیگری هم هست).

### مسأله ششم

۱. اعمام و احوال خود فرد (مطلقاً) و فرزندان آنها، بر اعمام و احوال پدر و مادرش مقدم هستند.

۲. در صورت نبود هر درجه، ارث به درجه بعد می رسد و آنها جایگزین می شوند.

پس:

پسرعموی متوفی بر عموی پدر متوفی تقدم دارد.

پسر عموی متوفی بر عموی جد متوفی تقدم دارد.

پسر دایی بر دایی پدر متوفی تقدم دارد و ...

۳. ارث اعمام و احوال پدر و مادر متوفی:

